

گفت‌وگو با امیرعباس پیام و **دانیال خیری** **خواه، نویسنده و بازیگر سریال «بی‌عاطفه»**

در «بی‌عاطفه» شخصیت‌ها از بطن جامعه آمده‌اند

بهناز شیربانی: چند سالی است که شبکه نمایش خانگی محبوبیت بیشتری بین مخاطبان ایرانی پیدا کرده است، مدیومی که از دیدگاه بسیاری از کارشناسان، باید با دقت بیشتری در این حوزه فعالیت کرد تا دچار آسیب نشود. طی سال‌های اخیر سریال‌هایی با گونه‌های متفاوت برای علاقه‌مندان شبکه نمایش خانگی تولید شده و این روزها سریال «بی‌عاطفه» به کارگردانی کمال تبریزی در حال پخش است. سریالی که سعی کرده به بازیگران جوان فرصت دیده‌شدن بدهد و دانیال خیری خواه از جمله بازیگرانی است که نخستین تجربه حضور در شبکه نمایش خانگی را با «بی‌عاطفه» تجربه می‌کند و امیرعباس پیام فیلم‌نامه‌نویسی است که نگارش این سریال جالش‌های بسیاری برای او داشته است. امیرعباس پیام و دانیال خیری خواه میهمان «شبکه شرق» شدند و درباره سریال «بی‌عاطفه» صحبت کردند.

آقای خیری خواه شما مسیر عجیب و سختی را تا بازیگری طی کرده‌اید. یک پیشینه‌ای وجود دارد از شما. **بازیگری در تئاتر که همه ما با آن آشنا هستیم و فکر می‌کنم اکثر کسانی که این گفت‌وگو را می‌بینند، دابسمش‌های حرفه‌ای شما را به خاطر می‌آورند تا رسیدیم به سریال «بی‌عاطفه» که نظرات مثبت زیادی تا امروز داشته؛ از این مسیر برای ما تعریف کنید؟**

دانیال خیری خواه: مسیر سخت ولی لذت‌بخش بود. اینکه علاقه‌مند به کاری که انجام می‌دهی باشی، از سختی آن کم می‌کند. من همیشه عاشق هنر بودم. چه در موسیقی و چه در نقاشی و در سال ۸۷ تئاتر را شروع کردم و اساسا همیشه خیلی نسبت به خودم سختگیرم. هر چندسال یک نمایش کار می‌کنم و از دانشگاه هنر تبریز شروع کردم و با تئاتر آشنا شدم. گروه تشکیل دادم و با بچه‌ها تئاتر کار می‌کردیم و اینکه در نگارش ساز می‌زدم و می‌توانستم از اینها در نمایش استفاده کنم. یک بازی‌ها هم شد که سراغ تولید محتوا در دنیای مجازی رفتم و در اینستاگرام تولید محتوا کردم. تجربه جذابی بود که با کارگردان خوب و دوست عزیزم علی شمس کار کردم. تجربه تصویر اولین حضورم مقابل دوربین آقای جلیلودن در فیلم «شب، داخلی، دیوار» بود که تجربه بسیار دلنشینی بود و مسئولیت سخت علی دولتخواه در سریال «بی‌عاطفه» به لطف و اعتماد آقای تبریزی و آقای میرکریمی اتفاق افتاد.

فکر می‌کنم این تجربه‌های تئاتر به خصوص با علی شمس بسیار کمک کرده برای رسیدن به تصویر و می‌خواهم بدانم چقدر این علاقه‌مندی وجود داشت که از تئاتر وارد حوزه تصویر شوید؟
خیری خواه: من همیشه طرفدار کار خوب و باکیفیت بودم و علی شمس هم کارهای باکیفیتی انجام می‌دهد و به هیچ وجه منظورم از تئاتر گذریدن، پله‌گذرن برای تصویر نبود و همیشه این‌طور فکر می‌کنم که یک تئاتر خوب جا دارد که آدم را به جالش بکشاند و یک کار تصویر خوب هم به همین شکل.

و آن تجربه‌هایی که فکر می‌کنم اکثرا در اینستاگرام شاهدش بودیم، برای رسیدن به تصویر کمک‌کننده بودند؟
خیری خواه: صدالبته. من تا یادم هست همیشه کارکردن با میمیک صورت برایم مهم بود. یادم هست ساعت‌ها جلوی آینه می‌نسنستم و تمرین می‌کردم و یک بازه‌ای رسید که متوجه شدم باید کمی خودم را نشان بدهم. قابلیت‌هایی که سال‌ها برای آنها تمرین کردم، چه در بیان و چه بدن و میمیک صورت. فکر کردم چه تولید محتوایی می‌توان کرد که در واقع بشود از آنها استفاده کرد. چیزهایی‌که در واقع در تئاتر پرورش پیدا کرده بودند و طبیعتا از آنها در سایر مدیوم‌ها هم می‌توان استفاده کرد. این بود که فرصت را غنیمت شمردم که در دنیای مجازی هم تجربه‌ای داشته باشم.

آقای پیام می‌دانم سال‌هاست در حوزه نگارش فیلم‌نامه تجربه کسب کرده‌اید و البته در حوزه دوبله و مدیریت دوبلاژ هم سال‌هاست فعال هستید. شبکه نمایش خانگی برای شما جدی‌تر شده است و تا قبل از آن تلویزیون برای شما بستر مناسب‌تری بوده برای کارکردن. الان شرایط را چطور می‌بینید؟
امیرعباس پیام: از وقتی که شبکه نمایش خانگی به وجود آمده، شرایط بازرتر و بهتری ایجاد کرده است. هرچند هنوز هم دچار خیری خواه: صدالبته. من تا یادم هست همیشه کارکردن با میمیک صورت برایم مهم بود. یادم هست ساعت‌ها جلوی آینه می‌نسنستم و تمرین می‌کردم و یک بازه‌ای رسید که متوجه شدم باید کمی خودم را نشان بدهم. قابلیت‌هایی که سال‌ها برای آنها تمرین کردم، چه در بیان و چه بدن و میمیک صورت. فکر کردم چه تولید محتوایی می‌توان کرد که در واقع بشود از آنها استفاده کرد. چیزهایی‌که در واقع در تئاتر پرورش پیدا کرده بودند و طبیعتا از آنها در سایر مدیوم‌ها هم می‌توان استفاده کرد. این بود که فرصت را غنیمت شمردم که در دنیای مجازی هم تجربه‌ای داشته باشم.

آقای پیام می‌دانم سال‌هاست در حوزه نگارش فیلم‌نامه تجربه کسب کرده‌اید و البته در حوزه دوبله و مدیریت دوبلاژ هم سال‌هاست فعال هستید. شبکه نمایش خانگی برای شما جدی‌تر شده است و تا قبل از آن تلویزیون برای شما بستر مناسب‌تری بوده برای کارکردن. الان شرایط را چطور می‌بینید؟

امیرعباس پیام: از وقتی که شبکه نمایش خانگی به وجود آمده، شرایط بازرتر و بهتری ایجاد کرده است. هرچند هنوز هم دچار

نمایش «اتوبوسی به نام هوس» نوشته تنسی ویلیامز و ترجمه مرجان بخت‌مینو، داستان بلاچ دیوآ است که مشکلات زیادی را در زندگی متحمل شده است. او پس از اخراج از مدرسه‌ای که در آن به تدریس مشغول بود، برای دیدار با خواهرش، استلا، پیش او و شوهرخواهرش، استلی کووالسکی، می‌آید. استلی که یک کارگر قمارباز است، از بدو ورود بلاتش، سر ناسازگاری با او دارد و از طریق یکی از دوستانش از گذشته بلاچ باخبر می‌شود. سخر عبداللهی، معصومه رحیمی، حسین احمدی، مهدی جادری، درسا شیعی، رامین فیاض، الهام مقربان و مهدی اصغریان بازیگران این نمایش هستند. همچنین ریحانه محسنی دستیار کارگردان، معصومه رحیمی منشی صحنه، ندا حقیقت‌گو طراح گریم و مجری گریم، مهدی اصغریان طراح صحنه، علیرضا آخوندی و مهدی جادری مدیر صحنه، مهدی سربازی مدیر روابط عمومی، امیرعلی نیگومتن عکاس، نرگس علیان‌نژادی نوازنده ویولنسل، مهدی اصغریان طراح پوستر و سارا بهنامی مشاور رسانه‌ای این نمایش را برعهده دارند. گروه هنری پژوهاک اجرایی «اتوبوسی به نام هوس» را از ۱۶ تا ۲۲ خرداد، ساعت ۱۶:۳۰ به‌مدت ۹۰ دقیقه در تماشاخانه طهران روی صحنه می‌برد.

میزبانی تماشاخانه طهران از نمایش

«اتوبوسی به نام هوس»

نمایش «اتوبوسی به نام هوس» نوشته تنسی ویلیامز و ترجمه مرجان بخت‌مینو، داستان بلاچ دیوآ است که مشکلات زیادی را در زندگی متحمل شده است. او پس از اخراج از مدرسه‌ای که در آن به تدریس مشغول بود، برای دیدار با خواهرش، استلا، پیش او و شوهرخواهرش، استلی کووالسکی، می‌آید. استلی که یک کارگر قمارباز است، از بدو ورود بلاتش، سر ناسازگاری با او دارد و از طریق یکی از دوستانش از گذشته بلاچ باخبر می‌شود. سخر عبداللهی، معصومه رحیمی، حسین احمدی، مهدی جادری، درسا شیعی، رامین فیاض، الهام مقربان و مهدی اصغریان بازیگران این نمایش هستند. همچنین ریحانه محسنی دستیار کارگردان، معصومه رحیمی منشی صحنه، ندا حقیقت‌گو طراح گریم و مجری گریم، مهدی اصغریان طراح صحنه، علیرضا آخوندی و مهدی جادری مدیر صحنه، مهدی سربازی مدیر روابط عمومی، امیرعلی نیگومتن عکاس، نرگس علیان‌نژادی نوازنده ویولنسل، مهدی اصغریان طراح پوستر و سارا بهنامی مشاور رسانه‌ای این نمایش را برعهده دارند. گروه هنری پژوهاک اجرایی «اتوبوسی به نام هوس» را از ۱۶ تا ۲۲ خرداد، ساعت ۱۶:۳۰ به‌مدت ۹۰ دقیقه در تماشاخانه طهران روی صحنه می‌برد.

ممیزی‌ها هستیم ولی خب به هر حال خیلی کمتر است و دست نویسنده و عوامل ساخت یک اثر خیلی بازتر است. امیدوارم شبکه نمایش خانگی و حتی خود تلویزیون با جسارت بیشتری فضا را برای خلق آثار بهتر فراهم کنند.

الان که رضایت دارید از کار در شبکه نمایش خانگی؟

پیام: بله خیلی بهتر است.

برسیم به سریال «بی‌عاطفه»؛ اصلا موضوع و ایده این سریال چطور مطرح شد و شما چطور آغاز کردید؟
پیام: پیشینه فیلم‌نامه این کار به اواخر سال ۱۳۹۷ برمی‌گردد. این فیلم‌نامه بارها دست تهیه‌کننده‌های مختلف دست به دست شد و باعث آزرده‌خاطری من می‌شد، ولی هم‌زمان فرصت بازنویسی‌های متعدد به من داد و زمانی که آقای محمدصادق میرکریمی تصمیم گرفتند کار را بسازند، به یک استانداری در متن رسیده بودیم. بازنویسی نهایی توسط آقای میرکریمی و تبریزی اتفاق افتاد و کار را به یختگی لازم و اجرا رساند.

چقدر در بازنویسی، متن تغییر کرد؟

پیام: نسبت به متن اولیه که برای سال ۹۸ بود خیلی تغییر کرد یعنی شاید در بازنویسی‌های قبلی یک‌سری اتفاقات و شخصیت‌ها را تغییر می‌دادم ولی اینجا با وفاداری به متن نهایی که ما داشتیم، شروع کردیم به بازنویسی کیفی. می‌توانم بگویم اگر نمره فیلم‌نامه آن زمان ۶۰ بود، به راحتی به ۸۰ و ۹۰ رسید از نظر خودمان.

از ابتدا که سریال پخش شد در مورد داستان سریال و قصه صحبت‌هایی مطرح شده و نقد و نظرهایی مطرح است و فکر می‌کنم یکی از نقدهایی که برخی به قصه این سریال وارد می‌دانند، چندپاره‌بودن داستان است. اینکه سریال گاهی معمای است، شاید خط روایی برای برخی مخاطبان کم شود در روایت. این نقد را قبول دارید؟

پیام: داستان چندپاره نیست. شاید بتوانیم بگوییم یک کار مولتی‌ژانر است. از ژانرهای مختلف برای جذابیت بهره می‌برد و اگر الان واقعا فضایی سریال‌سازی دینا و حتی خودمان را نگاه کنید، به این سمت حرکت می‌کند. دوره روایت قصه‌های خاطی منسجم واقعا به سر آمده است. مخاطب هم ذائقه و سلیقه‌اش بالاتر رفته است و دوست دارد به چالش کشیده شود و اتفاقات را حدس بزند و جواب معماها را پیدا کند و طبیعتا نمی‌توان به آن ضعف کار گفت، هرچند ما سعی کردیم به همه اینها انسجام بدهیم. زمانی می‌توانی به کاری چندپاره بگویی که قصه‌هایی را دنبال کند که هیچ ربطی به هم نداشته باشند. حتی فرعی‌ترین داستان و شخصیت‌ها ما به قصه اصلی مرتبط می‌شوند. چون طراحی این کار هم به عنوان یک فصل بود. الان شاید خیلی از قصه‌ها منتقل شود به فصل بعد که تکلیف آنها مشخص شود. ولی در ابتدا این‌طور بود که تک‌تک شخصیت‌هایی که وجود دارند به خط اصلی مرتبط می‌شوند و تأثیر دارند یعنی هیچ‌کدام مجزا نیستند. در بازنویسی نهایی اگر شخصیت اضافی یا حتی قصه‌ای اضافی داشتیم و نتوانستیم به قصه اصلی مرتبط کنیم، آن را کنار گذاشتیم. **آقای خیری** خواه، قیبل از اینکه در این مدیوم کار کنید حتما مخاطب شبکه نمایش خانگی بوده‌اید. الان چطور شبکه نگاه می‌کنید؟

خیری خواه: عمده نقش‌هایی که در تصویر به من پیشنهاد می‌شد، نقش‌های منفی بودند. **چرا؟**
خیری خواه: نمی‌دانم. ولی از آنجا که معتقدم در تصویر، تثبیت در ذهن مخاطبان نقشی است که در سریال بازی می‌کنید. کمابینکه سالیان سال از نقش‌هایی که آدم‌ها بازی کرده‌اند گذشته است و ما آنها را با نقش‌هایی که در سریال بازی کرده‌اند به خاطر می‌آوریم. دست‌کم الان این‌طور فکر می‌کنم. بازی در نقش منفی برای بازیگر جذاب‌تر است ولی دوست داشتم که به شکل مثبتی در ذهن مردم تثبیت شوم و تصویری که از من اولین بار می‌بینند، مثبت باشد و فکر می‌کنم علی دولتخواه این‌طور بود و در ادامه قسمت‌های باقی‌مانده هم شاهدش خواهیم بود.

چقدر شخصیت علی دشواری‌هایی برای اجرا داشت؟

خیری خواه:من از پیش تولید شروع می‌کنم. متن را که خواندم چهار قسمت بازنویسی شده بود و من آن چهار قسمت و هر قسمت را چهار بار تا صبح خواندم و ظهر به آقای میرکریمی زنگ زدم و گفتم من این سؤال‌ها را دارم و دنبال پاسخش هستم و آقای میرکریمی هم گفت دوست داشته هر کسی که چهار قسمت اول را می‌بیند، این چهار قسمت در ذهنش شکل بگیرد. اولین کاری که با شخصیت علی داشتم، این بود که باید بدنش را می‌ساختم و بازه‌ای بود که باید ۲۱ روز به اروپا برای اجرای تئاتر می‌رفتم و در ۱۰ روز مانده بود به پایان، به ایران برگردم. فیلم‌برداری شروع شده بود و قسمت‌های دیگر ضبط می‌شد و این موضوع باز کار من را سخت می‌کرد و من اواخر بهمن تقریبا در طول دوماهو نیم ۱۷ کیلو با ورزش وزن اضافه کردم که بدن علی را بسازم و در ادامه اینکه بازی‌کردن شخصیت علی برای من این‌طور بود که من ناظر به نقش باید محدودیت‌هایی را برای او در نظر می‌گرفتم. زمان حالش با گذشته تفاوت و محدودیت‌هایی دارد. آدمی که در گذشته سرکش بوده و بعد کمی محدودتر شده. حتی چیزهایی برای او گذاشتیم که جاهایی وقتی می‌خواهد تند صحبت کند، نُن صدایش بر او مقداری بالاتر نبرد. در موقعیت‌های مختلف رفتارشناسی را در نظر متفاوت است. به‌این‌دلیل این محدودیت‌ها طبیعی بوده که باید در نظر می‌گرفتم و خیلی لبه حرکت کردم.

بازی در سریال برای شما جذاب است؟

خیری خواه: صد البته. مثل اینکه پیرسید تئاتر برای من جذاب‌تر است یا تصویر؟ برای من کار خوب جذاب است. یک تئاتر بد را مقایسه کنیم با یک فیلم خوب. مسلما فیلم خوب بهتر است و بالعکس ولی علاقه خودم همیشه به تئاتر بوده ولی تصویر هم جذاب‌تر است.

البته شما بهتر از من می‌دانید که اساسا بازیگرانی که از تئاتر به تصویر آمده‌اند، همیشه آدم‌های ماندگارتری در مدیوم تصویر بوده‌اند. بازتاب حضور در «بی‌عاطفه» را بین مردم چطور دیدید؟

خیری خواه: تا درصد خوبی مثبت بوده است و خیلی از جاها آدم‌های مختلف از طیف‌های مختلف عکس‌العمل‌های متفاوتی دارند. خاطرم هست در کافه‌ای نشسته بودم، خانم میان‌سالی آمدند، گفتند تو علی دولتخواه هستی؟ چقدر خوب که یک روزشکار برای



این نقش انتخاب کردند. من به آن خانم نگفتم ورزشکار نیستم. ولی عمدتا فکر می‌کنند کسی را که ورزش می‌کند، در این نقش می‌بینند، در نهایت می‌توانم بگویم خود علی دولتخواه به نظرم آدمی است دوست‌داشتنی روی کاغذ و حالا اینکه من چطور از پس نقش برآمده باشم، دیگر عوامل سریال و مردم باید نظر بدهند. ولی وقتی روی کاغذ علی را می‌خواندم، دیدم آدمی دوست‌داشتنی است و چارچوب‌های اخلاقی خودش را دارد و به یک سری چیزها در زندگی وصل است و آدمی است وفادار و عاشق‌پیشه و سلامت است و برای او خانواده مهم است و فکر می‌کنم که روی کاغذ این اتفاق خوب برای یک بازیگر است که وقتی نقش را روی کاغذ می‌خواند، این جذابیت برای ایفای نقشش را منتقل کند. من فکر می‌کردم اگر درست بازی شود، مردم او را دوست خواهند داشت.

آقای پیام درمورد شخصیت پردازی‌ها به‌ویژه شخصیت علی صحبت کنید.

پیام: قطعا شرط لازم یک کار خوب داشتن، یک فیلم‌نامه خوب است. با یک فیلم‌نامه بد نمی‌توان یک کار خوب ساخت ولی شرط کافی نیست، چون خود من شخصا فیلم‌نامه‌های خوبی داشتم که نتیجه آن‌طور که دوست داشتم، حاصل نشده است. برای همین وقتی دنبال به شخصیت علی روی کاغذ نگاه می‌کنم، من هم برمی‌گردم به همه شخصیت‌هایی که روی کاغذ خلق شدند. چیزی می‌بینم، شاید به‌جرت‌ست می‌توانم بگویم برای اولین بار یک رضایت با درصد بالا دارم. این‌قدر این بازیگرها به نقش نزدیک هستند و آن‌قدر به تجسم ذهنی من نزدیک هستند که واقعا خود من از دیدنش لذت می‌برم و این هم فقط یک دلیل دارد. فیلم‌نامه‌نویس نمی‌تواند بگوید موفقیت این کار به خاطر من است. کارگردان و فیلم‌بردار و بازیگر، هیچ‌کدام نمی‌توانند چنین ادعایی داشته باشند. اثری که قابل قبول می‌شود، نتیجه یک کار گروهی خوب است. ما این اشتباه را می‌کنیم که تهیه‌کننده را بیشتر کارگزار مالی می‌بینم و اینکه قرار است پولی به کار تزریق شود، به نظر اصلا چنین چیزی نیست؛ تهیه‌کننده ناخدای یک کار است. من با تهیه‌کنندگان بزرگ زیادی کار کردم و از آنها توقع داشتم کار خوب تولید کنند. ولی وقتی تهیه‌کننده‌ای با انگیزه‌ای غیر از کیفیت وارد کاری شود، باقی هم آرام‌آرام به آن سمت می‌روند. ولی یک تهیه‌کننده باعث می‌شود تمام عوامل به کیفیت فکر کنند. من در این کار سریال دیدم و جزء معدود کارهایی بود که تهیه‌کننده ۹۰ درصد اوقات سر صحنه بودند. تعامل خوبی با آقای تبریزی داشتم که از نظر من از فوق‌العاده است و کارگردان درخشانی است. من و آقای تبریزی و آقای میرکریمی هر روز هفت، هشت ساعت سر فیلم‌نامه با هم کلنجار رفتیم و این تعامل به وجود آمد. با خود دانیال ساعت‌ها صحبت کردم، غیر از اینکه هدایت دانیال بر عهده آقای تبریزی بود ولی ساعت‌ها حرف می‌زدیم و نظراتش را درمورد نقش می‌شنیدم و این فرصت ایجاد شد که یک تیم جمع شود و یک کار خوب ارائه بدهد. نمی‌گویم کار بی‌نقصی است ولی آنچه می‌بینیم، اقبالی که بین مردم داشسته است و رضایتی که عوامل از کار دارند، به نظرم جالب است. ما آهنگ‌ساز فوق‌العاده‌ای داشتیم. یک تدوینگر فوق‌العاده داشتیم که ماه‌ها با وسواس کار کرد. تیم

تولید و تهیه بی‌نظیر بودند؛ بنابراین «بی‌عاطفه» جزء کارهایی است که حتی اگر درصدی از شخصیت‌پردازی که روی کاغذ اتفاق افتاد، درست مقابل دوربین منتقل نشده باشد، حتی خجالت می‌کشم این را به‌عنوان ایراد بگویم. این‌قدر که این تجربه دلنشینی برای من بود و واقعا از همه گروه ممنونم. تعاملی که آقای تبریزی با من به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس داشت، بی‌نظیر بود و از ایشان یاد گرفتم. تجربه‌ای که با دیگر بازیگران داشتم، آقای کیانیان، حامد بهداد، مریلا زارعی، دانیال خیری خواه، خانم ثروتسی و … همگی بی‌نظیر بودند. می‌توانم بگویم خوشحالم چنین تجربه‌ای داشتم و واقعا از تماشای سریال لذت می‌برم و خستگی را از تنم بیرون کرد.

حالا که صحبت از تعامل شد، تعامل شما با سایر بازیگران چطور بود؟
خیری خواه: اولاً که خوش گذشت و با تمام سختی‌هایی که داشت، حال ما با هم خوب بود. در نهایت من مخاطب جدی تئاتر و تصویر بودم، قبل از اینکه اصلا تصویر را تجربه کنم. من فکر می‌کنم نحوه تعامل گروه به مخاطب هم منتقل می‌شود و این به نظرم مهم است، چون در نهایت اثری تولید می‌شود که یا خوب است یا بد، ولی این مهم است که به گروه خوش گذشته باشد. آقای کیانیان بسیار به من کمک کرد و خیلی همراه بودند و دیگر بازیگران هم به همین شکل. خیلی دوست داشتم که با همین کیفیت و کمیت با دیگر بازیگران تعامل داشتم. ولی این تجربه درخشانی بود که با آقای کیانیان این پاس‌کاری را در بازی داشتم. آخر قسمت دو را که نگاه می‌کنم، خودم لبخندی می‌زنم که چقدر این خوب نشسته است؛ کمابینکه بخشی از بازیگری اصلا تدوین است و به کیفیت کار کمک می‌کند. همکاری با تک‌تک عوامل این سریال تجربه خوبی برای من بود.

اشاره کردید که مخاطب سریال و سینما هستند و آثار را دنبال می‌کنید. به هر حال حضور ابتدایی شما در تصویر و فیلم آقای جلیلودن هم اتفاق جالبی است که این فیلم هم آن‌طورکه باید دیده نشد. سینما را بپذیریم می‌کنید و دوست دارید با چه کارگردانی کار کنید؟
خیری خواه: فکر می‌کنم شروع خوبی داشتم. من با یک انسان بسیار شریف و کاردارست تصویر را شروع کردم. هرچند نقش من در سه سکانس در «شب، داخلی، دیوار» بود، اما خیلی از آقای جلیلودن یاد گرفتم، ولی تجربه «بی‌عاطفه» اول از همه مسئولیت سنگینی بود که درواقع من از طرف آقای میرکریمی در تئاتر دیده شدم و او بای من ایستاد که علی را من بازی کنم و خیلی برای من مسئولیت سنگینی بود. ولی تجربه «بی‌عاطفه» اول از همه مسئولیت اساسا فکر می‌کنم کاری که برای من جالش نداشته باشد. جذابیتی هم ندارد و خیلی تجربه سخت و درعین‌حال دلنشینی برای من بود. من دوست دارم همه مدل بازی را تجربه کنم. در زیست شخصی خودم از رئالیست‌بودن فرار می‌کنم و حتی تئاترهایی که دوست دارم بازی کنم، نمایش‌هایی است که زیست روزمره ندارند و فکر می‌کنم تصویر هم می‌تواند جذاب باشد. امیدوارم بتوانم در ادامه به موفقیت‌های جذابی دست پیدا کنم.

صحبت پایانی؟

پیام: عموما مرسوم است که کارها با هم مقایسه می‌شوند. چیزی که مخاطبان از آن بی‌اطلاع هستند، شرایط تولید و بودجه تولید یک اثر است که ممکن است کاری که با قسمت ۱۵ میلیارد تومان ساخته شده و یک شرایط فوق‌العاده‌ای برایش فراهم بوده است، با یک اثری که با سه میلیارد تومان ساخته شده، مقایسه شود. این کار واقعا با یک چیزی که باعث شد این اثر ساخته شود، همدلی عوامل با هم و تلاش و پشتکار تهیه‌کننده بود.

پیام: قطعاً شرط لازم یک کار خوب داشتن، یک فیلم‌نامه خوب است. با یک فیلم‌نامه بد نمی‌توان یک کار خوب ساخت ولی

پیام: قطعاً شرط لازم یک کار خوب داشتن، یک فیلم‌نامه خوب است. با یک فیلم‌نامه بد نمی‌توان یک کار خوب ساخت ولی چیزی که باعث شد این اثر ساخته شود، همدلی عوامل با هم و تلاش و پشتکار تهیه‌کننده بود.

پیام: عموما مرسوم است که کارها با هم مقایسه می‌شوند. چیزی که مخاطبان از آن بی‌اطلاع هستند، شرایط تولید و بودجه تولید یک اثر است که ممکن است کاری که با قسمت ۱۵ میلیارد تومان ساخته شده و یک شرایط فوق‌العاده‌ای برایش فراهم بوده است، با یک اثری که با سه میلیارد تومان ساخته شده، مقایسه شود. این کار واقعا با یک چیزی که باعث شد این اثر ساخته شود، همدلی عوامل با هم و تلاش و پشتکار تهیه‌کننده بود.

پلاک موتورسیکلت تاسوکی مشکی مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۱۵۷۱۳ایران ۵۶۳ شماره شاسی ۰۹۰۰۱۳۸۲ و شماره موتور ۸۸۵۰۶۰۲ به نام **جعفر مرسرود زاده ملاتانی** با کد ملی ۱۸۱۹۰۵۳۷۲۵ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز ام وی ام ۳۱۵ صندوقدار سفید روغنی مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ۸۸ایران ۴۶۷ص۲۷ شماره شاسی ۰۰۱۰۱۶۸۶NATFBAKD۶D۱ شماره موتور ۰۰۱۱۶۷۲۳MVM۴۷۷۶JAD به نام **سید محمد طباطبایی** با کد ملی ۰۰۵۶۵۲۵۱۷۶ در ۱۳۹۷/۷/۱۱ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

شناسنامه سلمان زارع
فرزند اکبر به کد ملی ۰۲۶۱۷۰۴۴۶۹۷۰
تاریخ تولد ۱۳۶۰/۰۱/۲۹
متولد یزد به سرقت رفته
واز درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری تارا مدل ۱۴۰۵ به رنگ سفید به شماره شاسی NAAY21H5ETDP1۱311 و شماره موتور 187B0225760 شماره پلاک ایران ۳۰-۱۹۶-۷۶ به نام **سارا قنبری** مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد.

برگ سبز و سند کمپانی سواری بنزای ۲۳۰ مدل ۱۹۸۶ به رنگ سفید به شماره شاسی ۳۰۹۷۴۸ و شماره موتور ۰۴۴۴۲۸ به شماره پلاک ایران ۴۰-۲۸۲-۷۷ به نام **محمدفرهادی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد

مدرک فارغ التحصیلی اینجناب آندیا میرافغانی فرزند ایرج به شماره ۲۳۹۵ صادره از تهران در مقطع دکترا رشته داروسازی صادره از واحد دانشگاهی علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مفقود گردیده و فاقد اعتبار است از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد داروسازی به نشانی تهران خیابان یخچال ارسال نماید.

برگ سبز خودرو TU5 207 سفید مدل ۱۴۰۴ به شماره پلاک ۹۷ق۲۲-۲۸ و شماره موتور 188B0091245 و شماره شاسی ۰۱۶۳۱FTDP۴ شماره **طالبی** **فاخریان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

(نوبت دوم)مدرک فارغ التحصیلی اینجناب فرکل فرنودی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۰۰۳۷۱۶۳۰۲ صادره از تهران در مقطع کارشناسی در رشته هتل داری صادره از واحد آزاد اسلامی، واحد تهران غرب به شماره مدرک ۴۹۸۷۵۹۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتباری می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرک غرب، بلوار فرحزادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرک غرب ارسال نماید.

برگ سبز سمند نقره ای متالیک مدل ۱۳۸۲
به شماره پلاک ۳۵ ایران ۷۶۶ص۵۴
شماره شاسی ۰۰۸۲۲۳۱۳۴۱
و شماره موتور ۳۲۹۰۸۲۳۲۴۴۱
به نام سعید طالبی با کد ملی ۱۴۹۰۳۶۸۸۵۱ در ۱۴۰۵/۳/۴ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز، خودرو پژو ۴۰۵ رنگ نقره ای مدل ۸۵ به شماره پلاک ۳۵ ج ۳۳۷ ایران ۸۹ و شماره موتور ۱۰۲۶۸۵۱۲۴۹۰۱ شماره شاسی 11CA8BE094321-NAAM به نام دانشگاه آزاد اسلامی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز، خودرو مینی بوس رنگ سفید مدل ۹۰ به شماره پلاک ۴۵ ع ۴۷۱ ایران ۷۹ و شماره موتور 04DBB479107 و شماره شاسی NA 37901790917552 به نام دانشگاه آزاد اسلامی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.